

## دکتر خسرو فرشیدورد

## دستور تاریخی زبان فارسی

## فعل کوتاه

مراد از فعل کوتاه ضیغه‌ها و زمانهای مرکبی (۱) است که با فعل معین ساخته می‌شوند و فعل معین آنها به قرینه یا بی قرینه حذف می‌شود این فعلها عبارتند از: ماضی نقلی (رفته است)، ماضی بعید (رفته بود)، ماضی التزامی (رفته باشد)، ماضی بعید مستمر (۲) می‌رفته بود، ماضی التزامی مستمر (می‌رفته باشد البته در قدیم)، ماضی نقلی مستمر (رفته است)، ماضی دورتر (رفته بوده است)، ماضی دورتر استمراری (میرفته بوده است)، مستقبل (خواهد رفت)، فعل مجهول (گفته شد).

حذف فعل اینگونه فعلها بیشتر به قرینه لفظی است و فعل معین بعضی از اینها مانند ماضی نقلی و ماضی بعید و ماضی التزامی مستمر و ماضی ابعید بدون قرینه هم حذف می‌شود.

## حذف فعل معین یا قرینه

فعل معین فعلهایی که یاد شد امروز بخصوص در زبان گفتار به قرینه حذف می‌شود جز فعل معین مستقبل (۳) که مثلاً نمی‌توان گفت: من فردا به مدرسه خواهیم

۱- مراد از زمان مرکب (Temps composé) در اینجا همان Periphrase

verbale است یعنی افعالی مانند ماضی نقلی، ماضی بعید، ماضی التزامی و مستقبل و فعل مجهول که در فارسی برای آنها معادلی در نظر گرفته شده است البته اینها را نمی‌توان فعل مرکب نامید زیرا فعل مرکب مفهوم دیگری دارد.

۲- این نوع فعل بیشتر در قدیم بکار می‌رفته است.

۳- در فعلهایی که دو فعل معین دارند تنها فعل معین آخر حذف می‌شود مثلاً رفته

بوده است می‌شود: رفته بود.

رفت و هوشنگ را دید بلکه باید گفت: «خواهم دید» در حالی که در قدیم که خواهیم، خواهی... مثل امروز کاملاً به صورت فعل معین در نیامده بوده چنین حذفی ممکن بوده است: «مرا گمان افتاد که مگر اینجا ثبات خواهد کرد و لشکر را ضبط کرد» (بیهقی تصحیح دکتر فیاض و دکتر غنی ص ۶۲۵ یعنی ضبط خواهد کرد).

«شدن» در افعان مجهول امروز کمتر به قرینه حذف می‌شود با اینحال حذف آن غیر ممکن نیست مانند: از او دیده و شنیده شد به جای دیده شد و شنیده شد. کتاب خوانده و کاغذ نوشته شد. ولی در مواقعی که بین دو فعل مجهول فاصله زیاد باشد معمولاً فعل شدن را حذف نمی‌کنند.

فعل‌های معین ام، ای... و بوم بودی.. و باشم، باشی... بیشتر از فعل‌های دیگر حذف می‌شوند چه در گذشته و چه در حال و در این میان حذف ام، ای، است... بخصوص در ماضی ابعاد و ماضی نقلی مستمر بیشتر است زیرا بلندی این افعال ایجاب می‌کند که فعل معین آن برای اختصار بی‌فرینه یا باقرینه حذف شود مانند: میرفته و رفته بود به جای میرفته است و رفته بوده است.

از لحاظ تاریخی در این حذفها تفاوتی که بین فارسی گذشته و حال هست این است که در قدیم بخصوص تا قرن هشتم و نهم (۲) فعل معین در جمله اول باقی می‌ماند و در جمله‌های بعد حذف می‌شده است در حالی که امروز برعکس است و فعل معین در جمله‌های آخر باقی میماند: مثال از قدیم برای ماضی بعید. «سیاه گوسفندی کشته بود و افکنده» (سماک عیار ج ۲ ص ۲۸۰ چاپ (۱) اول) یعنی افکنده بود.

۱- مشخصات کتابها همانهایی است که نخستین بار نوشته می‌شود.

۲- به این نکته آقای همائی و برخی دیگر از پژوهندگان نیز اشاره کرده‌اند

رجوع کنید به مقدمه مصباح الهدایه.

«داراب مانده شده بود و پشت به سوی دریا آورده با بهزاد به هم» (دارابنامه طرسوسی ج ۱ ص ۴۰۴ چاپ بنکاه ترجمه و نشر کتاب) یعنی آورده بود.  
 «فیروز شاه هرگز جادو ندیده بود و نشنیده» (دارابنامه بیغمی ص ۲۱۰) یعنی نشنیده بود. مثال از قدیم برای ماضی نقلی:

«اما پیر شده‌ام و از کار بمانده» (تاریخ بیهقی ص ۱۵۰) یعنی بمانده‌ام.  
 «کار صید را به جد داشته است و گفته که...» (تاریخ جهانگشای جوینی ج ۱ ص ۱۹ تصحیح قزوینی).

«قنطرش گفت او به مدد من آمده و سپاه آورده» (دارابنامه طرسوسی ص ۹۴).  
 مثال برای ماضی التزامی از قدیم:

«تا پیش از آنکه آفتاب تیغ زند شمشیر کشیده باشند و چون صبح پرده در گردد صف قتال دریده» (نفثة المصدر زیدری ص ۴۱ تصحیح دکتر یزدگردی) یعنی دریده باشد.

مثال برای ماضی نقلی مستمر از قدیم:

«غایرخان بدین سبب متغیر می شده است و بر خویش می پیچیده و طمع در مال ایشان می کرده» (جهانگشای جوینی ج ۱ ص ۶۱).

در حالی که امروز چنانکه گفتیم فعل را از جمله اول حذف می کنیم مثلاً می گوئیم: «او به خانه رفته و غذا خورده است» یا «او به مدرسه رفته و بازی کرده بود»، «کاش او به آنجا رفته و برادرش را دیده باشد» در این موارد امروز فعل معین ماضی التزامی و ماضی بعید کمتر از فعل معین ماضی نقلی و ماضی مستمر و ماضی دورتر و ماضی دورتر مستمر حذف می شود

معینها در قدیم هم گاهی به شیوه امروز فعل معین را در جمله اول حذف می کرده اند: «ورقاب اکاسره و جبابره طوعاً او کرهاً در ربقت طاعت و عبودیت ایشان می آمده ایشان در اقامت عدل و اظهار آثار جمیل و تشیید قاعده مسلمانان و تقویت و ترتیب شریعت محمدی به اقصی الامکان می رسیده اند» (عنه الکتبه ص ۱۴ تصحیح

عباس اقبال):

در قدیم گاهی فعل معین با دو قرینه حذف می شده است یکی به قرینه جمله قبلی و دیگر به قرینه جمله بعدی مانند: «در آن ساعت طمروسیه در فراق او بسیار گریسته بود و خسروشده و از آن ماندگی در طرب شده بود» دارابنامه طرسوسی (ص ۱۱۶ ج ۱).

در این موارد گاهی فعل کوتاه با «به» توأم است.

«از قبطان فرعون زنی سخت پیر بود ومام او مریم بنت ماموشا و مسلمان شده بود و به موسی بگرویده» (تاریخ بلعمی). «اما پیر شدهام و از کار بمانده» (تاریخ بیهقی ص ۱۵۰)

در قدیم گاهی فعل معین به قرینه فعل غیر معین حذف می شده است.

«تمامت پهلوانان و عیاران حاضر بودند و گوش کرده تا روز افزون گفت» (سمک عیار ج ۳ ص ۷۵) یعنی کرده بودند.

«امیر عمیق امیرالشعراء بود و از آن دولت حظی تمام گرفته و تجملی قوی یافته» (چهار مقاله ص ۴۶ تصحیح دکتر معین).

گاهی نیز قضیه عکس بوده و فعل غیر معین به قرینه فعل معین حذف می شده.

الف فعل معین مقدم:

«سالی نزاع در پیادگان حجیج افتاده بود وداعی (من) در آن سفرهم پیاده» (گلستان ص ۴۵۹ چاپ خطیب رهبر) یعنی پیاده بود

ب فعل معین موخر:

«سمک با قایم به شراب خوردن مشغول و سمک سردر پیش افکنده بود» (سمک عیار ج ۳ ص ۱۹۳).

این موارد استعمال امروز منسوخ شده است.